

تأملی در ریاض الجنه

محمد صحتی سردرودی



محمد حسن حسینی زنوزی. ریاض الجنه. قسمت اول از روضه چهارم، تحقیق علی رفیعی. چاپ اول: قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۰. ۶۲۸ ص، وزیری.

علامه زنوزی (۱۱۷۲-۱۲۱۸ ق) متخلص به «فانی»، در زنوز - از توابع مرند - زاده شد. مراحل مقدماتی و بخشی از سطوح را در حوزه های تبریز و خوی پیمود. در ۱۱۹۵ ق از خوی به عراق

کوچید و در شهر کربلا مأواگزید. هشت سال متمادی در حلقه درس و بحث اساتید بزرگ آن روز کربلا، چون محمد باقر بهبهانی، میرزا مهدی شهرستانی و سید علی طباطبایی، معروف به «صاحب ریاض»، شرکت جست. در سال ۱۲۰۳ ق به ایران بازگشت و دو سال نیز در حوزه مشهد مقدس سرگرم تکمیل معلومات خویش شد. در ۱۲۰۵ ق به حوزه اصفهان راه یافت و پس از چند صباحی دوباره به زادگاه خود، «خوی»، بازگشت و همان جا روزگارش را با تحقیق و تألیف سپری ساخت تا درگذشت.^(۱)

از ایشان آثار پربار و ماندگاری به جای مانده است که بیش از همه از سه اثر او، یعنی «بحر العلوم»، «دیوان» و «ریاض الجنه»، یاد می شود که در این میان ریاض را روایتی برتر

و بیش تر است. ریاض الجنه در حقیقت شاه کار علامه زنوزی شمرده می شود و با توجه به این که این اثر سیصد و اندی سال پیش، با نبود ابتدایی ترین امکانات تحقیقی، آن هم با آن طول و تفصیل، نوشته شده، باید گفت راستی که کاری بوده کارستان و زنوزی زحمت زیاد و طاقت فرسایی را برای تهیه و تدوین آن به جان خریداری است و باری را که باید گروهی از پژوهشگران به دوش می کشیدند، وی به تنهایی آن را به سر منزل مقصود رسانیده است.

محمد علی صفوت سخنی درباره ریاض دارد که می تواند ارزش آن را بیش تر بنمایاند، وی می نویسد: «ریاض الجنه... به ظن قوی اولین دائرة المعارف اسلامی است [که] در میان ملل اسلام و اغلب ممالک مسیحی [همانندش نیست و] در آذربایجان... نگارش یافته است.»^(۲)

اما با این همه، این اثر گرانبار چنان که می بایست شناخته

۱. آذر تفضلی و مهین فضالی جوان، فرهنگ بزرگان، (چاپ اول: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش)، ص ۱۴۸؛ علی صدرانی خویی، سیمای خوی، ص ۱۵۲؛ محمد علی صفوت تبریزی، داستان دوستان، ص ۸ و
۲. علی صفوت تبریزی، داستان دوستان، ص ۸

کتاب انجام داده است، نمی‌کاهد.

جای تأسف بسیار است که گویا دنباله کار گرفته نشده است و در شش سال گذشته فقط جلد اول از روضه چهارم چاپ شده و باقی آن از آراسته شدن به زیور طبع محروم مانده است.

در پایان یادآوری می‌شود که ریاض الجته در هشت بخش بلند و به ترتیب زیر است:

روضه اول: تاریخ چهارده معصوم (ع) و شهرهای مذهبی - اسلامی، مثل: بیت المقدس، بیت الله الحرام، مدینه، مشهد، سامرا، کاظمین و کربلا است در ۲۸ قسمت.

روضه دوم: درباره شیاطین، اشرار، کفار و ... است در هفت قسمت.

روضه سوم: در مورد زمین و آسمان، عوالم غیب و اقالیم سبعة و ... در ۲۵ قسمت.

روضه چهارم: درباره شرح احوال و آثار دانش مندان مسلمان و به ترتیب الفبایی است که کتاب مورد بحث تنها قسمت اندکی از آن است که منتشر شده است و به ترتیب عناوین (ابراهیم بازوری - احمد بحرانی) را که شامل ۱۴۵ دانشور مسلمان می‌شود در خود جای داده است.

روضه پنجم: ویژه شاعران و ادیبان است که در دو بخش «ادبا و شعرای عرب» و «شعرا و ادبای غیرعرب» نوشته شده است.

روضه ششم: درباره پادشاهان مشهور و سلسله سلاطین معروف است که حاوی تاریخ جهان پیش و پس از اسلام است. روضه هفتم: در تاریخ و ترجمه وزیران و امیران مشهور و شرح حال کاتبان و خوش نویسان است.

روضه هشتم: گلستانی است رنگارنگ که از هر چمن گلی و از هر باغ میوه‌ای را می‌توان در آن یافت؛ از داستان‌های جذاب، لطایف روایی و ادبی گرفته تا اصطلاحات علوم و فنون گوناگون، معماهای فکری و هنری که به صورت نظم و نثر و به عربی و فارسی نوشته شده است.

نشده است، تنها خواصی از پژوهش‌گران بزرگ و پرتلاش به این دفرینه پنهان دست یافته و دیگران از آن بی‌بهره ماندند، چرا که گستره کار در ریاض تا آنجا بود که کم‌تر کسی همت تحقیق و تصحیح آن را - که گفته می‌شود سر به ده‌ها جلد خواهد زد - در خود می‌دید.

چنان بود که پس از گذشت سه قرن از تاریخ تألیف آن فقط نسخه‌های خطی متعددی از آن در برخی کتاب‌خانه‌ها نگه‌داری می‌شد... تا این که بالاخره با پیش‌نهاد بزرگ کتاب‌شناس معاصر و گوهرشناس بی‌نظیر، مرحوم آیه‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - قدس سره - استاد علی رفیعی رنج این کار سترگ را به جان خرید و برای نخستین بار قسمتی از روضه چهارم - از روضه‌های هشت‌گانه - آن را تحقیق کرد و منتشر ساخت.

محقق محترم سعی و تلاش فراوانی در تحقیق این اثر کرده است که ما در این جا فقط به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- مقدمه مفصل و مفیدی را در دیباچه کتاب نوشته‌اند که حاوی اطلاعات بسیاری درباره علامه زنوزی، آثار، خاندان و فرزندان وی است که به این جامعیت و گستردگی در جای دیگر یافت نمی‌شود.

۲- زیر هر عنوانی که مؤلف فصلی را در زندگی‌نامه شخصیتی گشوده است، محقق در میان دو قلاب تاریخ ولادت و وفات شخصیت مورد بحث را به دو صورت قمری و میلادی اضافه کرده است.

۳- برای هر عنوان در پاورقی، فهرست ممتد و مفیدی از منابع به دست داده است که در موارد فراوانی، بسیار بیش‌تر و کارآمدتر از متن کتاب است.

۴- اشخاصی که مؤلف تنها نامی از آن‌ها را در ضمن مباحث آورده و به حیات آن‌ها نپرداخته است، اگر در قسمت‌های دیگر کتاب آورده باشد، محقق در پاورقی با تعیین فصل و باب به آن‌جا رجاع داده و اگر در قسمت‌های دیگر نیز نیآورده باشد، محقق خود در پاورقی پس از گزارش مختصر و مفیدی از زندگی‌نامه آن شخص، فهرستی از منابعی را که به این کار پرداخته‌اند، به دست داده است.

فشرده سخن این که محقق، ارزش کتاب را دوچندان و فواید آن را صدچندان کرده است. اگر در اندک موارد جزئی هم اشکال و تسامحی به نظر آید به هیچ وجه از ارزش کار سترگی که محقق